

ایران در «ایران»

آمادگی شرقی ترین شهر استان تهران برای استقبال از زائران رهبر شهید

دمانود - شرقی ترین شهرستان استان تهران که در روزهای عادی گذرگاه مسافران شمال کشور است، این بار خود را برای میزبانی هزاران زائر تشییع رهبر شهید آماده کرده است و به گفته فرماندار فیروزکوه، این شهرستان برای اسکان دست‌کم پنج هزار زائر و راه‌اندازی ۱۱ ایستگاه خدمت‌رسانی در مسیر تردد از گدوک تا سارناز آمادگی دارد.

جاده فیروزکوه برای بسیاری از مسافران، تنها مسیری برای رسیدن به شمال کشور است؛ جاده‌ای که خودروها از آن عبور می‌کنند و کمتر کسی در آن توقف طولانی دارد اما با برگزاری مراسم تشییع رهبر شهید، این گذرگاه شرقی تهران نقشی متفاوت برعهده گرفته است که این نقش، عبور جای خود را به میزبانی داده و خدمات‌رسانی به زائران به اولویت نخست دستگاه‌های اجرایی شهرستان تبدیل شده است.

در چنین رویدادهایی، اهمیت یک شهرستان تنها به موقعیت جغرافیایی آن محدود نمی‌شود و فراهم بودن محل اسکان، خدمات درمانی، پذیرایی، امداد‌رسانی و مدیریت تردد، عواملی هستند که می‌تواند سفر هزاران نفر را امن‌تر و منظم‌تر کند و تجربه حضور زائران را تحت تأثیر قرار دهند. فرماندار فیروزکوه روز یکشنبه در جلسه هماهنگی ستاد برگزاری مراسم وداع و تشییع بیکر رهبر شهید با اشاره به قرار گرفتن این شهرستان در مسیر تردد زائران استان‌های شمالی و شمال شرق کشور گفت: «فیروزکوه آمادگی اسکان حداقل پنج هزار نفر از زائران را دارد و ظرفیت مناسب، حساسیت‌ها، مدارا، سس‌ان‌های ورزشی و دیگر اماکن عمومی برای این منظور پیش‌بینی شده است.» او افضل زمانی نژاد افزود: «در راستای ارائه خدمات مناسب، ۱۱ نقطه در سطح شهرستان از گدوک تا سارناز این شهرستان برای استقرار موبک‌ها و ایستگاه‌های صلواتی در نظر گرفته شده است تا خدمات اسکان، پذیرایی، امدادی و بهداشتی به زائران ارائه شود.»

زیست‌بوم

گزارش

معصومه دیودار

گروه زیست بوم

چندی پیش مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گلستان از ممنوعیت تردد خودروهای آف‌رود، موتورسیکلت و همچنین برگزاری تورهای مسافری در تمامی عرصه‌های جنگلی و مناطق تحت حفاظت این استان خبر داد و اعلام کرد با متخلفان برخورد قانونی خواهد شد.

«غدیر حسن‌زاده» با اشاره به ورود برخی طبیعت‌گردان با خودروهای آف‌رود و موتورسیکلت به عرصه‌های منابع طبیعی و مناطق چهارگانه محیط زیست گفت: «این اقدامات علاوه بر تخریب زیستگاه‌های طبیعی، به دلیل ایجاد سرو صدا و برهم زدن آرامش محیطی، آسیب‌های جدی به حیات وحش وارد می‌کند.»

اطهارات پایدار توسعه یافت، اما اجرای ناقص برخی طرح‌ها بدون رعایت کامل ضوابط حفاظتی، این فرصت را به زمینه سودجویی عده‌ای و در غیر حال به تهدید جدی برای محیط زیست تبدیل کرده است. تداوم این تخریب‌ها، مسئولان قضایی و محیط زیست استان‌های شمالی را بر آن داشت تا با تغییر برخی رویکردهای پیشین، قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای کنترل تورهای گردشگری و خودروهای آف‌رود وضع کنند. مدیرکل حفاظت محیط زیست گلستان با اشاره به پیگیری‌های قضایی در این زمینه اظهار کرده است: «همراه سال گذشته در جریان بازدید از یکی از مناطق حفاظت‌شده استان با حضور رئیس کل دادگستری و دادستان مرکز استان، موضوع مطرح و دستور برخورد جدی با متخلفان صادر شد.» به گفته وی، براین اساس تردد خودروهای آف‌رود، موتورسیکلت و برگزاری

تورهای مسافری در عرصه‌های جنگلی و مناطق تحت مدیریت محیط زیست استان گلستان ممنوع است و در صورت مشاهده هرگونه تخلف، برخورد قانونی انجام خواهد شد.

در این راستا دادستان عمومی و انقلاب آمل نیز از ممنوعیت ورود هرگونه موتورسیکلت، خودروی شاسی بلند و چهارچرخ به عرصه‌های جنگلی هیرکانی در حوزه استحفاظی این شهرستان خبر داد و گفت: «متخلفان علاوه بر توقیف بلند مدت وسیله نقلیه، تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند.»

«حجت‌اله حاتم» طی دستورالعملی فوری به تمامی نیروهای انتظامی، یگان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، هرگونه تردد وسایل نقلیه آف‌رود در جاده‌های خاکی، مسیرهای فرعی و حریم رودخانه‌های منتهی به جنگل‌های هیرکانی را مطلقاً ممنوع اعلام کرد. دادستان آمل با اشاره به ثبت جهانی جنگل‌های هیرکانی به عنوان میراث طبیعی، تأکید کرد: «متأسفانه تردد موتورسیکلت‌های سنگین و خودروهای آف‌رود، خسارات جبران‌ناپذیری به ریشه درختان، خاک و زیست‌بوم منطقه وارد می‌کند و بر اساس مصوبه شورای تأمین شهرستان، ورود به تمامی مسیرهای دسترسی جنگل‌های هیرکانی ممنوع است.»

دادستان آمل از شهروندان و طبیعت‌گردان خواست ضمن خودداری از ورود به این مناطق، هرگونه مورد تخلف را به مراجع قانونی اطلاع دهند. همچنین به گفته مدیران میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منطقه، ورود خودروها به مسیرهای فرعی در اراضی منابع طبیعی مصداق از بین بردن پوشش گیاهی است و تخلف محسوب می‌شود، به گفته آنها، ثبت جنگل‌های جنگلی ایران مستولیت سازمان متولی مدیریت جنگل‌ها و مراتع و چندان کرده است و محدودیت‌های حفاظتی بیشتری برای جنگل‌های هیرکانی ابر باید در نظر گرفته شود. سامان دهی ورود خودروهای آف‌رود دارای مجوز و تعیین مسیرهای آف‌رود در این مناطق جلوگیری از آسیب به جنگل ابر از جمله فعالیت‌های انجام‌شده برای حفاظت هر چه بیشتر از جنگل جهانی ابر است.

و اجرای مؤثر آنها تا چه اندازه عمیق است؛ فاصله‌ای که قربانیان آن هنوز با نفس‌های سوخته خود به‌بایش را می‌پردازند.

هفتم تیرماه ساعت ۱۶:۳۰، جنگنده‌های رژیم بعث عراق چهار نقطه از شهرسردشت و سه نقطه از روستاهای اطراف آن را با هفت بمب شیمیایی حاوی گاز خردل هدف قرار دادند.

دو بمب در بازار شهر، دو بمب در مناطق مسکونی و سه بمب دیگر در باغ‌های اطراف فرود آمد و به دلیل شرایط جوی، ابر رسمی به سرعت در سطح شهر گسترش یافت. بیمارستان و مراکز درمانی نیز در مسیر جریان هوای آلوده قرار گرفتند و بخشی از کادر درمان نیز دچار آلودگی شدند. نتیجه این حمله، غیرنظامیان با سلاح‌های ممنوعه در تاریخ ۱۳۶۶ می‌گذرد، اما در سردشت زمان هنوز بر مدار همان لحظه‌ای می‌چرخد که هفت بمب شیمیایی حاوی گاز خردل بر سر مردم این شهر مرزی فرود آمد. حمله‌ای که نه یک عملیات نظامی متعارف، بلکه یکی از آشکارترین نمونه‌های هدف قرار دادن غیرنظامیان با سلاح‌های ممنوعه در تاریخ معاصر بود؛ فاجعه سردشت این شهر مرزی را به اولین شهر جهان پس از جنگ جهانی دوم تبدیل کرد که به‌طور گسترده قربانی حمله با سلاح‌های شیمیایی شد. اگرچه این جنایت در حافظه تاریخی ایران ثبت شده است، اما پیامدهای آن همچنان در زندگی بازماندگان این جنایت ضدبشری ادامه دارد: از بیماری‌های مزمن روی، چشمی و پوستی گرفته تا مشکلات روانی، دشواری‌های معیشتی و چالش‌های حقوقی برای شناسایی مصدومان، در حالی که جامعه جهانی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را دهها پیش ممنوع کرده بود، فاجعه سردشت نشان داد فاصله میان تصویب قوانین بین‌المللی



این شهر فاجعه ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه هفتم تیرماه ۱۳۶۶ را فراموش نمی‌کند

زخم باز سردشت

گزارش

گروه ایران زمین

ده‌های بعد با افزایش سن مجروحان این حمله، شدت بیشتری پیدا کرد.

سردشت در سایه گاز خردل

گاز خردل از جمله عوامل تاول‌زا و ناتوان‌کننده‌ای است که علاوه بر آسیب‌های حاد، پیامدهای مزمن و پیش‌رونده بردستگاه تنفسی، پوست، چشم و حتی سیستم ایمنی بدن بر جای می‌گذارد. بسیاری از جانبازان شیمیایی سردشت همچنان با تنگی نفس شدید، التهاب مزمن ریه، کاهش ظرفیت تنفسی، آسیب‌های چشمی، مشکلات پوستی و نیاز مستمر به دارو و مراقبت‌های تخصصی زندگی می‌کنند. هزینه‌های درمان، دشواری دسترسی به برخی داروها و محدودیت امکانات تخصصی نیز مشکلات این گروه را دوچندان کرده است. ابعاد این فاجعه تنها به حوزه سلامت و صدمات انسانی آن محدود نمی‌شود. حمله شیمیایی رژیم صدام به سردشت از منظر حقوق بین‌الملل نیز یکی از مهم‌ترین مصداق نقض آشکار قوانین جنگ محسوب می‌شود. در زمان وقوع این جنایت، بیش از شش دهه از تصویب پروتکل ژنو ۱۹۲۵ که استفاده از سلاح‌های شیمیایی را ممنوع کرده بود، می‌گذشت، اما این ممنوعیت نتوانست مانع استفاده از چنین سلاح‌هایی علیه غیرنظامیان شود. بعدها نیز تصویب کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و تشکیل سازمان منع سلاح‌های شیمیایی،

اهمیت این پرونده را بیش از پیش آشکار کرد و سردشت به یکی از نمادهای جهانی ضرورت مقابله با این تسلیحات تبدیل شد. با این حال، بسیاری از فعالان حوزه جانبازان شیمیایی معتقدند جایگاه بین‌المللی سردشت همچنان متناسب با ابعاد این جنایت نیست. در حالی که نام حلیچه در افکار عمومی جهان بیش از سردشت شناخته شده، جنایت سردشت به‌عنوان اولین حمله گسترده شیمیایی علیه یک شهر غیرنظامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ موضوعی که از نگاه بازماندگان، نیازمند تلاش گسترده رسانه‌ای، حقوقی و دیپلماتیک است.

روایت تلخ بازمانده سردشت از ۳۹ سال رنج

«عبدالرحیم کریمی واحد»، دبیر انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت که خود از بازماندگان این حمله است، در گفت‌وگو با خبرنگاری آن، تصویری متفاوت از ابعاد انسانی این فاجعه ارائه می‌دهد. او می‌گوید: «در بمباران شیمیایی، یازده نفر از اعضای خانواده‌ام به شهادت رسیدند و دیگر اعضای خانواده با مصدوم شیمیایی شدند یا جانباز شیمیایی. حتی فرصت تشییع همکدر عزیزانم را نداشتیم و از سال ۱۳۶۶ تاکنون تقریباً هیچ زمانی نبوده که یکی از اعضای خانواده ما در بیمارستان بستری نباشد.»

کریمی واحد یکی از مهم‌ترین مشکلات امروز قربانیان را شناسایی نشدن بخش بزرگی از مصدومان می‌داند. به گفته او، اگرچه اسناد موجود تعداد قربانیان را بیش از هشت هزار نفر اعلام می‌کنند، اما تاکنون تنها حدود هزار و ۶۰۰ نفر به صورت رسمی شناسایی شده‌اند و بخشی قابل توجهی از آن‌سبب‌دیدگان همچنان از بسیاری از حمایت‌های قانونی محروم هستند. او معتقد است معیارهای تعیین درصد جانبازی در سال‌های گذشته سخت‌گیرانه‌تر شده، در حالی که آثار گاز شیمیایی سردشت همچنان با تنگی نفس وستی و نیاز مستمر به دارو و مراقبت‌های تخصصی زندگی می‌کنند. هزینه‌های درمان، دشواری دسترسی به برخی داروها و محدودیت امکانات تخصصی نیز مشکلات این گروه را دوچندان کرده است. ابعاد این فاجعه تنها به حوزه سلامت و صدمات انسانی آن محدود نمی‌شود. حمله شیمیایی رژیم صدام به سردشت از منظر حقوق بین‌الملل نیز یکی از مهم‌ترین مصداق نقض آشکار قوانین جنگ محسوب می‌شود. در زمان وقوع این جنایت، بیش از شش دهه از تصویب پروتکل ژنو ۱۹۲۵ که استفاده از سلاح‌های شیمیایی را ممنوع کرده بود، می‌گذشت، اما این ممنوعیت نتوانست مانع استفاده از چنین سلاح‌هایی علیه غیرنظامیان شود. بعدها نیز تصویب کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی و تشکیل سازمان منع سلاح‌های شیمیایی،



بر اساس

آمارهای

رسمی، از

جمعیت

حدود ۱۲

هزار نفری

سردشت،

بیش از هشت

هزار نفر در

معرض عوامل

شیمیایی

قرار گرفتند

به هزاران نفر

نیاز پیدا

کردند. صدها

مصدوم با

وضعیت

وخیم به

بیمارستان‌های

تهران و

شهرهای

شمال غرب

کشور منتقل

شدند

بین‌المللی «نفس‌های سوخته»، همکاری در تولید آثار سینمایی مانند فیلم «درخت‌گردو» و رایتی با سازمان منع سلاح‌های شیمیایی از جمله اقداماتی است که انجمن دفاع از حقوق مصدومان شیمیایی سردشت برای جلوگیری از فراموش شدن این حادثه دنبال می‌کند. واقعیت این است که سردشت تنها یک واقعه تاریخی نیست؛ بلکه پرونده‌ای زنده از آثار ماندگار استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی علیه غیرنظامیان است. هنوز صدای خس‌خس سینه جانبازان، مراجعات مکرر آنان به مراکز درمانی، هزینه‌های سنگین دارو، مشکلات تنفسی شبانه و رنج خانواده‌هایی که چند نسل با پیامدهای این

حادثه زندگی کرده‌اند، نشان می‌دهد این فاجعه هرگز به پایان نرسیده است. سالگرد بمباران شیمیایی سردشت تنها فرصتی برای مرور یک رویداد تاریخی نیست، یادآور مسئولیتی ملی و بین‌المللی در قبال قربانیان، ضرورت توسعه خدمات درمانی تخصصی، تکمیل فرآیند شناسایی همه مصدومان، پیگیری حقوقی عاملان این جنایت و تقویت دیپلماسی عمومی برای معرفی ابعاد این فاجعه به جهان است. زیرا سردشت، صرفاً نام یک شهر مرزی نیست، بلکه نمادی از هزینه‌ای است که بی‌توجهی به اجرای حقوق بین‌المللی می‌تواند بر جان انسان‌های بی‌دفاع تحمیل کند.

شهری شهید شد اما دوباره ایستاد

شعب بهرامیان

بزه‌شکر و استاد ارتباطات

هفتم تیرماه، زخمی کهنه و عمیق را در تقویم دلمان یادآوری می‌کند؛ فاجعه‌ای که در سال ۱۳۶۶ برپیکر سردشت، اولین شهر قربانی جنگ افزارهای شیمیایی جهان، وارد شد. آن روز، آسمان نیلگون سردشت، ناگهان رنگ مرگ گرفت و هوای مسموم با بوی تلخ خردل و سارین، نفس‌های زندگی را در سینه صدها انسان بی‌گناه برد.

ارتش یعنی صدام، بی‌هیچ شرم و وجدانی، بمب‌های شیمیایی را بر سر مردم بی‌دفاع سردشت فرو ریخت. نه پایگاهی نظامی، نه مواضعی استراتژیک، تنها خانه‌ها و کوچ‌هایی که صدای بازی کودکان و خنده خانواده‌ها در آن می‌پیچید، هدف قرار گرفت.

آن روز، بیش از ۱۰۰ نفر از مردم، شامل زنان، کودکان و مردان، در میان دود غلیظ و بوی مرگ‌آور گازها، جان باختند. هزاران نفر دیگر نیز، با مصدومیت‌های شدید، تا ابد با زخم‌های آن روز شوم دست و پنجه نرم می‌کنند. سوختگی‌های عمیق، مشکلات تنفسی، دردهای مزمن و سرطان، تنها بخشی از یادگارهای سیاه آن روز است که همچنان گریبان‌گیر مردم سردشت است.

اکنون، ۳۹ سال از آن فاجعه می‌گذرد، اما زخم‌های سردشت همچنان تازه است. این شهر، نه تنها از نظر انسانی، که از نظر توسعه نیز محروم و عقب‌افتاده مانده است. زیرساخت‌های درمانی برای جانبازان شیمیایی که تعدادشان به هزاران نفر می‌رسد، کافی نیست و دسترسی به داروهای مورد نیاز دشوار است. بسیاری از این عزیزان، با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند و بار سنگین بیماری بر دوش خانواده‌هایشان است. حتی پس از این همه سال، هنوز پرونده بسیاری از مدعیان مصدومیت شیمیایی در حال بررسی است!

سردشت، تنها یک شهر نیست، نمادی است از مظلومیت و مقاومت در برابر وحشیگری. نام این شهر، همواره فریادی خواهد بود علیه هرگونه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و تلنگری برای جامعه جهانی که چنین فجایعی دیگر هرگز تکرار نشود. هفتم تیر، هرچند آندوهنگام، اما یادآور این حقیقت است که انسانیت، هرگز در برابر ظلم و بیداد سکوت نخواهد کرد و خواهان توجه بیشتر به این شهر زخمی و مردم صبور آن است.



از نفس‌های سوخته

تا پیگیری عدالت

در کنار پیگیری‌های حقوقی، تلاش برای ثبت و انتقال روایت این فاجعه نیز اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. برگزاری همایش

قانون‌گریزی در قلب جنگل؛ وقتی مصوبات به‌طور کامل اجرا نمی‌شوند

نفس هیرکانی در بند آفرودها



دادستان آمل

با اشاره به

ثبت جهانی

جنگل‌های

هیرکانی به

عنوان میراث

طبیعی،

تأکید کرد:

متأسفانه تردد

موتورسیکلت‌های

سنگین و

خودروهای

آف‌رود، خسارات

جبران‌ناپذیری

به ریشه

درختان، خاک

و زیست‌بوم

منطقه وارد

می‌کند و بر

اساس مصوبه

شورای تأمین

شهرستان،

ورود به تمامی

مسیرهای

دسترسی

جنگل‌های

هیرکانی ممنوع

است

با وجود تأکیدهایی که بر عدم ورود آف‌رودسواران به جنگل‌ها وجود دارد اما به گفته مسئولان و کنشگران منطقه اجرای این طرح در برخی از مناطق استان گلستان با چالش‌هایی روبه‌رو است. راهکارهایی برای عدم ورود این تورها به این مناطق ارزشمند در نظر گرفته شده اما به دلیل کمبودهای لجستیکی در برخی دیگر از مناطق به‌طور کامل اجرایی نمی‌شود.

نیروهای محدود منابع طبیعی

در مقابل تورهای چند ده نفره

سرهنک عبسی گلپینگی مفرد (فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آب‌خیزداری گلستان) با تأکید بر آنکه این قانون توسط دستگاه قضایی سال‌های گذشته نیز اعلام می‌شد، در خصوص چرایی اجرای ناقص طرح به «ایران» گفت: «بخشی از این آف‌رودسواران در مناطق دوردست و

که تحت پوشش این هیأت‌ها به استان سفر می‌کنند را با قوانین آشنا و مضطرب کنیم. اما درخصوص تورهایی که عموماً مجوز ندارند و از خارج از استان وارد استان گلستان می‌شوند با چالش‌های دیگری روبه‌رو هستیم، چرا که برای مثال برای توقف و اجرای دستور قضایی این ماشین‌ها و موتورهای آف‌رود باید شماره پلاک و نام مسافر را به مراجع قضایی اعلام کنیم که در بسیاری از موارد این پروسه طولانی است.»

آف‌رود و موتورسیکلت‌های بزرگ می‌تواند سبب کوبیده شدن خاک و فرسایش خاک و وسایل نقلیه صورت نمی‌گیرد اما تورهای کوچک‌تری که کمپ‌ها برگزار می‌شوند، وی با تأکید بر آنکه دستگاه‌هایی که در این حوزه فعالیت دارند چه دستگاه‌های ورزشی چه دستگاه‌های فرهنگی و گردشگری می‌توانند در حفظ محیط

زیست کوشا باشند، گفت: «برای حضور در طبیعت باید فرهنگ‌سازی شود. اینکه هر کس با هر وسیع مالی بتواند ماشین کمک‌دار تهیه کند و این تصور را داشته باشد که هر جا بخواهد می‌تواند با آن خودرو تردد کند، اشتباه است. درخصوص فرهنگ حضور در طبیعت باید اطلاع‌رسانی شود و همه دستگاه‌ها باید به این حوزه اهمیت دهند. جنگل دیوار ندارد و نمی‌تواند از خود حفاظت کند و این دلیل نمی‌شود که هر کس به خود اجازه دهد به آن آسیب برساند.»

قوانین و ضوابط طبیعت‌گردی

رعایت نمی‌شود

الهه موسوی، کنشگر محیط زیست درخصوص تخریب‌های وارده به محیط زیست توسط طبیعت‌گردان به «ایران» گفت: «قوانین و ضوابطی برای حضور گردشگران در طبیعت وجود دارد اما در عمل رعایت نمی‌شود. ساده‌ترین شکل این امر ریختن زباله در طبیعت است. برای مثال اگر به منطقه شمت کلاکه که رودخانه بزرگی نیز در آن منطقه قرار دارد بروید، بسیاری از زباله‌روبه‌رو می‌شود. بسیاری از موارد نیز شاهد آتش‌افروزی در جنگل‌های انبوه هیرکانی و ناهارخوران هستیم. گردشگران به راحتی برای چند سیخ کباب درصدد بریدن شاخ و برگ‌های درختان برمی‌آیند. این در حالی است که این درختان ثروت‌های ملی ما هستند و اگر نمانند، شمال کشور نیز مانند مرکز کشور خشک خواهد شد.» او با اشاره به آنکه در نمونه‌های بزرگ‌تر شاهد این هستند که آف‌رودسواران با ماشین‌های خود وارد رودخانه می‌شوند، گفت: «این امر سبب می‌شود تا بستر رودخانه آسیب ببیند که سبب تسریع سیل خیزی رودخانه می‌شود. همچنین سرو صدا و تولید آلودگی صوتی توسط این افراد که معمولاً با حضور باندهای بسیار بزرگ برای پخش موسیقی با صدای بلند همراه است، ناامنی برای حیوانات منطقه ایجاد می‌کند.»

به گفته موسوی، در هیچ جای دنیا این گونه نیست که هر کس با ماشین شخصی خود به هر منطقه‌ای ورود کند. و رود به حوزه‌های چهارگانه محیط زیست قوانین و ضوابطی دارد که متأسفانه در بسیاری از مناطق محیط زیستی کشور ما رعایت نمی‌شود.



فرمانده یگان

حفاظت

منابع طبیعی

و آب‌خیزداری

کشور؛ به

نیروهای خود

اعلام کرده‌ام

تا از حضور

این تورها

در مناطق

حفاظتی و

جنگل‌ها

جلوگیری

کنند اگر

قرار باشد

توری وارد

عرصه‌های

منابع طبیعی

شود از

قبل اعلام

می‌کند و ما

به آنها تأکید

می‌کنیم که

این کار اتفاق

نیفتد